

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ ظلم قدم را می‌نیزاند، نعمت‌ها را سلب می‌کند و امت‌ها را به هلاکت می‌کشد.

■ اذان ظهر: ۱۱:۴۹ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۱۹  
 ■ اذان مغرب: ۱۷:۳۸ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۷  
 ■ اذان صبح فردا: ۴:۵۵ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۱۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
 ■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی  
 ■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰  
 ■ تلفن: ۶۹۲۳۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزیون  
 ■ تلفن: ۶۹۲۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری  
 ■ تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (جج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴  
 ■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-۱۹۳۵۱۵۴۴۶  
 ■ تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره ۲۲۰۴۶۰۶۷

تولید: دانش‌نیان، اشتغال آفرین  
 صفحه  
 آخر  
 ای شاهد قذسی، که کشد بند نقابت؟  
 وی مرغ بیهستی، که دهد دانه و آبت؟  
 حافظ

گر بنویسج

### حزب هوش مصنوعی



رهبران احزاب سیاسی، گاهی افراد نامتعارف و متفاوتی هستند اما یک چیز مشترک بین همه آنها این است که همگی شان انسان هستند. این وجه اشتراک اما در «حزب سینتتیک» که یک حزب تازه تأسیس در دانمارک است، وجود ندارد؛ رهبر این حزب، یک الگوریتم هوش مصنوعی است که از سوی اعضای حزب «هبر لارس» خوانده می‌شود. این حزب که بهار توسط چند شرکت کامپیوتری فعال در هنر و آینده‌پژوهی تشکیل شده، خود را متعهد می‌داند که در امور سیاسی، از الگوریتم سیاسی‌ای که رهبر حزب است پیروی کند. این هوش مصنوعی، اطلاعات تمامی احزاب عجیب و غریب دانمارک در ۰ دهسال گذشته را مطالعه کرده و امیدوار است بتواند هواداران آنها را به خود جذب کند. حزب سینتتیک می‌خواهد در انتخابات هفته‌های پیش رو در دانمارک شرکت کند و به‌دنبال یک کرسی است اما هدف نهایی این حزب، افزایش آگاهی مردم در دانمارک و فراتر از آن، درباره هوش مصنوعی و استفاده از آن در زندگی روزمره انسان‌هاست.

### استخراج ماشین دزدی



ماشین‌های دزدیده شده، بالاخره یا کامل و یا قطعه قطعه شده، سر از یک جایی درمی‌آورند اما گاهی پیش می‌آید که ماشین‌ها، آب می‌شوند و به دل زمین می‌روند. درست مثل یک ماشین دزدیده شده در کالیفرنیا که هرچند آب نشده، اما واقعا به دل زمین رفته است. پلیس در کالیفرنیا، ماشینی را زیر زمین یک خانه بزرگ چند میلیون دلاری کشف کرده که ۳۰سال پیش دزدیده شده بود و حالا کشف آن می‌تواند اسرار زیادی را بر ملا کند. این سرمدس بنز کروکی زیر یک ویلای ۱۵میلیون دلاری پیدا شده است. خود این ویلا، قبلا متعلق به شخصی بوده که سابقه دستگیری به‌خاطر قتل و کلاهبرداری را داشته است. پلیس به‌شدت به این ماشین مشکوک است و به‌دنبال بقایای احتمالی جسد انسان در آن می‌گردد. مالک این ماشین، به گفته پلیس، در گذشته است و اتهامی علیه مالکان فعلی خانه که ماشین را در بازسازی آن پیدا کرده اند مطرح نیست.

### نمایشگاه در ۱۰۰سالگی



گاهی آدم‌ها در سنین بالا، سرگرمی‌هایی پیدا می‌کنند که در جوانی شاید هرگز به آنها فکر نمی‌کرده‌اند. اما همین علایق، به بخش بزرگی از زندگی آنها تبدیل می‌شوند. برای مادر بزرگ ۱۰۰ساله بوسنیایی، نقاشی آن سرگرمی دیرپافته است که حالا واقعا به بخش مهمی از زندگی او تبدیل شده است. نقاشی برای این مادر بزرگ چنان مهم است که به مناسبت تولد ۱۰۰سالگی‌اش یک نمایشگاه از آثارش ترتیب داده است. خانم نادارودان تازه وقتی که ۸۷ساله بود به نقاشی علاقه پیدا کرده و در این ۱۳سال چنان به این هنر علاقه‌مند شده که بخش زیادی از زندگی خود را وقف این کار کرده است. او چنان به نقاشی متعهد است که صبح‌ها ۳ساعت و بعدازظهرها ۲ساعت پای بوم می‌ایستند و قلم می‌زند. او درباره سبک زندگی‌اش در این سن بالا گفته است: «من نمی‌دانم خوابیدن در روز یعنی چه، نمی‌دانم افسردگی یعنی چه، همیشه یک کاری برای انجام دادن پیدا می‌کنم.» او علاوه بر نقاشی، عاشق سفر کردن است و در آخرین برنامه مفصل سفرهایش، بعد از یک ماه استراحت در مناطق ساحلی، به آلمان رفته تا دخترش را ببیند. این خانم روحیه مستقلی دارد و گفته است که نمی‌خواهد باری بر دوش‌ش فرزند، ۳ثوه و ۴نیتچه‌اش باشد.

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

یکشنبه ۱۴۰۱ | سال‌سیام | شماره ۸۶۱۹

تولید: دانش‌نیان، اشتغال آفرین

# همشهری

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir  
 ■ سایت‌روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

تقویم / شهادت

### مردعلم و اجتهاد



■ امام خیر را که شنید، گفت: «اناالله و انالیه راجعون» و چندبار دست‌کشید روی پیشانی‌اش. بعدد گفت: «طوری نیست. مبارزه این چیزها را هم دارد. مصلطی‌ای من که عزیز تر از جوان‌های دیگر نبود، بلکه این جوری از مادر‌های داغ‌دیده کمتر خجالت بکشم.»

■ اسمش را اسم پدر امام گذاشتند که در مبارزه با خان‌های وقت، شهید شده بود. نخستین فرزند خانواده بود و برای همین، بیشتر از بقیه به پدر نزدیک بود. خیلی چیزها را دیده بود که بقیه ندیدند: خودش هم در حوزه علمیه قم تدریس می‌کرد، آن هم در ۲۷سالگی که برای مجتهد شدن خیلی زوداست.

■ تا ۳ رفیق جوان بودند که خیلی زود به درجه اجتهاد رسیدند: سیدمصطفی خمینی، سیدموسی صدر و سیدمحمد بهشتی. آن دو توی اول پدرشان مرجع بود. هر سه تا یاشان اهل مبارزه و فعالیت بودند. یکی ششان رفت لبنان و با پیود در گیر شد، مثل موسی(ع) یکی رفت آلمان و سعی کرد دل‌ها را به هم نزدیک کند، مثل عیسی(ع) و سیدمصطفی قیام کرد همراه پدر و هجرت کرد همراه او، همان راهی که روزگاری پیامبر اسلام، مصطفی(ص) رفت. هر سه تا پشان امید حوزه بودند و همه می‌گفتند سنت مرجعیت ششیعه را ادامه خواهند داد. اما سال ۵۶امام موسی ر بوده شد و سیدمصطفی مسسوم. ۴ سال بعد سیدمحمد را به شهادت رساندند.

■ یکی از بیت آمد، به مداح گفت: «بدو بیارو وضه علی اکبر بخوان، آقا یک کم گزیه کنه. این همه غصه را توی دلش نریزد.»

### اول آخر

فصل برداشت برنج هزار جریب/ مازندران ■ عکس/ همشهری: حامد خورشیدی



#### بوک مارک

### پشت سرت را نگاه کن

سی بل‌هاگ

به آسمان خیره می‌شوم و به تصام چیزهای کوچکی فکر می‌کنم که خرده‌رد اضافه می‌شوند و تا خبردار شوی گرفتارت می‌کنند و تو را به دام می‌اندازند، آن وقت اعتماد به نفس و عزت نفست تباه می‌شود اما همان کسی که می‌خواهی از دستش خلاص شوی، کسی است که بیشتر از همه به او متکی هستی. نمی‌دانی چه وقت این اتفاق می‌افتد. نمی‌توانی دقیقاً یک روز، هفته یا ماه را مشخص کنی زیرا یک روند تدریجی و نامحسوس است. آرام آرام در وجودت رخنه می‌کند. آن قدر آرام که متوجه نمی‌شوی داری خم می‌شوی، می‌شکنی و آدم دیگری می‌شوی؛ زنی که شاد نیست و طوری زندگی می‌کند که همسرش می‌خواهد، نه انطور که خودش می‌خواهد.

#### دیالوگ

### چهل سالگی

علیرضا ربیسان  
 انتظامی: عشق، ایمان، مرگ.  
 فروتن: همون ۴کلمه‌ای که هر

آدمی باید تنها تجربه کنه...

انتظامی: تنهایی عاشق بشی، تنهایی ایمان بیاری، تنهایی هم بگیری.

### فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که

می‌بیتید. ما منتظرم تا نوشته‌ها بتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌ها بتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز، کار یکتانور و طراحی هم هستید جانتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شدد یک تماس یا شماره ۰۲۲۴۶۲۶۲۲ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.

باشگاه  
 نویسندگان

### در جست‌وجوی امر ملی

سیدجواد رسولی

کارشناس رسانه



دوست بسیار عزیزی در مادرید دارم که معاشرت و هم‌صحبتی با او بسیار مغتنم است. او رو می‌موایلش تنظیم کرده تا در لحظه فرارسیدن اوقات شرعی، اذان مؤذن‌زاده اردبیلی پخش شود. بارها پیش آمده که درست وسط صحبت، جایی که بحث حساسی گرم شده و بالا گرفته، صدای این اذان بلند می‌شود و واکنش ما و جمع چیزی نیست جز اینکه صحبت را قطع کنیم و یک‌بار دیگر به این آوای زیبا گوش بدهیم. این تأثیر هر باره اذان مؤذن‌زاده اردبیلی از کجا می‌آید؟ چه چیزی در این آوا هست که هر بار ما را تسخیر می‌کند؟

اذان مشهور مؤذن‌زاده در آواز بیات ترک اجرا شده است. آواز بیات ترک یکی از متعلقات دستگاه شور است که از قدیمی‌ترین دستگاه‌های موسیقی ایرانی است. هم نظامی گنجوی و هم فردوسی از نغمه‌هایی در آثارشان نام برده‌اند که ساخته یاربد نکبسا و دیگر آهنگسازان عصر ساسانی است و بعضی از پژوهشگران گمان می‌برند که ردپای آن نغمات در موسیقی امروز دستگاهی ایران (که از زمان قاجار به بعد بصورت تدوین شده در آمد و ثبت شد) وجود دارد. از طرفی نوای اذان که از حجاز و عبر تولد اسلام در آن سرزمین می‌آید همیشه در مقام‌های موسیقی عربی اجرا شده است. موسیقی متن فیلم «پیام‌ور» (در ایران محمد رسول‌الله) که مورس زار آن را ساخته است، از شنیدن همین نوای اذان در مقام‌های موسیقی عربی الهام گرفته شده است.

اذان مؤذن‌زاده اردبیلی به شکل معجزه آسایی این دو تاریخ ظاهرا گسسته ایران در پیش از اسلام و پس از آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این اذان هم ریشه در نغمه‌های باستانی و کهن عصر ساسانی دارد و هم مهم‌ترین نهاد موسیقایی اسلامی را به اجرا در می‌آورد. این آمیختگی، نمونه‌ای از آمیختگی فرهنگ ایرانی/ ساسانی و فرهنگ اسلامی/ عربی است که در ایران و در طول تاریخ با یکدیگر ممزوج شده‌اند و چیز تازه‌ای را خلق کرده‌اند. این اثر جدید به این ترتیب نمونه‌ای از همان «امر ملی» است که ظاهرا در چند سال‌ال اخیر در وجود و حضورش تشکیک‌هایی شده است. اذان مؤذن‌زاده به‌خوبی و با صلابت روایتگر تاریخی است که در آن ملتی شکل گرفته و به پیش آمده است. اثری که هیچ عنصر هویتی ایرانی (چه ایران باستان و چه ایران اسلامی) را نقی نمی‌کند، بلکه خلاقانه‌عصری از آنها را در اختیار می‌گیرد و سنت تاریخی و فرهنگی موجودیتی به نام ایران را به پیش می‌برد.

اذان مؤذن‌زاده در آواز بیات ترک با قدرتی که از سنت تاریخی و هویت ایرانی می‌گیرد، هر بار و در هر اجرا ما را به چیزی وصل می‌کند که بیان کردنش کار آسانی نیست. اما حقیقت آن چیز به بیان در نیامدنی، در لحظه شنیدن اذان خودش را به همه ما نشان می‌دهد حتی اگر از گوشی موبایلی بیرون بیاید که هزاران کیلومتر از سرزمین ایران دور است.



## اسطوره سرزمین فوتبال

«من متولد شدم تا فوتبالیست شوم. همانطور که پتهوون به دنیا آمد تا موسیقی‌دان شود.»

پله یعنی «لقه آتش» و فوتبالیست جوان معتقد بود تقدر نامش را برای او انتخاب کرده است. فوتبالیستی که معروف بود می‌تواند در یک دقیقه تلفن ۴تفر را دربیل کند. پله در ۱۱سالگی به واسطه والدمار، دیگر افسانه فوتبال برزیل، کشف شد و در ۱۶سالگی توسط او به تیم ساتوز معرفی شد؛ تیمی که پله تا آخرین سال‌های بازی خود در آن می‌درخشید. در نخستین بازی بازنکنی بود که توانست جام را ببرد؛ ۱۷سالگی و وزن ۲۲کُل در فینال جام جهانی، برابر میزبان. این آغاز اسطوره بود. پله ۳بار دیگر در جام جهانی حاضر شد و هر سه بار هم قهرمان جام شد و جام زؤل‌رمه را برای همیشه به خانه برد. در سومین جام جهانی- ۱۹۷۰مکریک- توانست در فینال، ایتالیا را ۴:۱ یک شکست دهد. برزیل ۱۹۷۰با حضور پله، جرزنیو، رولینو و توستائو رویایی‌ترین بازی تاریخ بود. در بازی فینال، پله علاوه بر گلزنی، یک پاس گل روایی هم به جرزنیو داد. درباره این پاس گل معروف، مدت‌ها در محافل علمی بحث بود که پله چطور توانست جرزنیو را ببیند؟ پله، اسطوره فوتبال جهان و جهان فوتبال است. کسانی که اصلا علاقه‌ای به فوتبال ندارند هم نام او را شنیده‌اند. پله جزو نخستین سیاهپوست‌هایی است که توسط سفیدپوست‌ها ستایش شد. او در ۱۹۹۴وزیر ورزش برزیل شد و در ۱۹۹۵سفیر صلح سازمان ملل. قبل تر نماینده سازمان ملل برای حفاظت از محیط‌زیست در مکزیک و سال ۲۰۰۰فیفا پله را به‌عنوان «فوتبالیست قرن» انتخاب کرد؛ انتخابی که با جنجال طرفداران مادرون‌ما همراه بود. پله در ۱۲۸۱کُل در ۱۲۳بازی رسمی، شامل ۴۷۷ملی، آمار گلزنی‌های اسطوره است. عبار ۵کُل در یک بازی، ۲۰۰بار ۴کُل در یک بازی و ۹۰۰بار هت‌تریک، روایی است که بزرگ‌ترین ستاره‌های فوتبال هم خواب آن را نمی‌بینند. سال ۱۹۷۰طرف‌های درگیر جنگ داخلی نیجریه، به ۴۸ساعت آتش‌بس کردند تا بتوانند بازی نمایشی پله را در شهر لاگوس ببینند. در جام جهانی ۱۹۷۰، بروکنج، مدافع مشهور ایتالیایی که مأمور یارگیری پله در فینال بود، گفت: «قبل از بازی، مدام به‌خودم می‌گفتم او هم مثل بقیه از گوشت استخوان ساخته شده. اما من اشتباه می‌کردم.»